

**نویسنده:** جاکوب جی. هورنبرگ (Jacob.G. Hornberg).

**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2019-09-19».

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

## استدلال ماندن در افغانستان مصون بودن پناهگاه امن است

### the safe-Haven argument for staying in Afghanistan

از میان همه استدلال‌های مسخره و دروغین یکی هم نگه داشتن سربازان امریکایی در افغانستان، جای که آنها همچنان به کشتن و کشته شدن برای هیچ چیزی ادامه می‌دهند است. استدلال «پناهگاه‌های امن» باید در بدترین حالت و یا اوضاع قرار داشته باشد دلیل چنین است. اکنون چنین استدلال وجود دارد و یاکه چنین دلیل می‌آورند و آن اینکه اگر سربازان ایالات متحده از این کشور خارج شوند، طالبان به پیروزی در جنگ داخلی خواهند رسید. و کنترل دولت ملی را بدست میگیرند و افغانستان را با ردیگر به یک پناهگاه امن برای القاعده بغرض طرح و برنامه ریزی حملات تروریستی علیه امریکا تبدیل میکنند، البته مانند حملات (11) مه سپتمبر سال (2001).



در واقع این اصلی ترین و یا عمده ترین چیزی بود که ریس جمهور «ترامپ» در مذاکرات صلح خود با طالبان بعنوان بخشی از توافقنا مه صلح پیشنهادی طالبان که «ترامپ» بر طبق این توافقنا مه نیروهای خود را از کشور خارج مینماید و طالبان در ازای آن متعهد میشوند که افغانستان را بعنوان پناهگاه امن برای القاعده برنگرداند.

من در این مورد نمیتوانم چیزی بگویم چونکه من متعجب ام که **دونالد ترامپ** «چه خواهد کرد که اگر طالبان در پایان گفت و شنود، توافق را نقض کنند پس آن وقتی خواهد بود که «ترامپ» از طالبان به نسبت نقض توافق صلح شکایت میکند. کنون کاملاً روشن

وهو پیدا است که طالبان بخش بزرگی از قلمرو افغانستان را در تحت تصرف ویا کنترل خود دارند که این خود بعنوان یک یادآوری مداوم از این فاجعه جنگ (18) ساله بوده است. پس این پرسش واضحاً مطرح میشود: چه چیزی مانع از آن میشود که طالبان بخشی از کشور را که آنرا در تحت کنترل دارند به یک پناهگاه امن برای القاعده تبدیل نکنند ویا برای اعضای القاعده در مناطق تحت کنترل خود پناهگاه های امن را تهیه و به اختیار آنها نگذارند؟

افزون برآن در اینجا نکته ای وجود دارد که با آغاز بررسی دقیق پناهگاه نکته ویا چیزی مهم اشکار میشود وآن اینکه چرا القاعده یا هر سازمان دیگر تروریستی بخاطر طرح برنامه ریزی یک حمله تروریستی خود به هزارها میل دورتر در یک کشور جهان سوم نیاز دارد؟ آیا نمیشود که برای طرح همچو برنامه تروریستی خود یک خانه ویا یک اتاق را چه در پاکستان، آلمان ویا حتی در خود ایالات متحده به اجاره گیرد ویا برگزیند.

در اینجا بخش مهمی از استدلال وجود پناهگاه امن است که این خود هیچ ارتباطی باحمله اصلی ایالات متحده به افغانستان نداشت. استدلال پناهگاه امن پس از حمله بعنوان بخشی از یک کمپین؛ احساس خوب برای توجیه مرگ و میر گسترده و ویرانی های ناشی از حمله و اشغال افغانستان توسط ایالات متحده در جنگ (18) ساله دولت امریکا علیه افغانستان صورت گرفت.

پس از حملات (11) ماه سپتمبر، رئیس جمهور **بوش** و دیگر مقامات ایالات متحده امریکا بلافاصله مشکوک شدند ویا که حدس زدند که این حملات را **اسامه بن لادن** و القاعده سازمان داده اند این کاملاً مشخص بود که **بن لادن** در زمان وقوع رخداد یازدهم سپتمبر در افغانستان زندگی میکرد؛ با اینحال؛ صرفاً به این دلیل که یک تروریست متهم و قتیکه بگونه ای جنایی مرتکب یک جنایت میشود ویا به انجام دادن ویا طرح توطیه دست به جنایت میزند و در یک کشور خاصی اقامت میگزیند؛ لزوماً به مفهوم این نیست که دولت آن کشور (میزبان) در این جنایت با جانی همدست باشد. و این کاملاً ممکن است که فرد مظنون بدون اطلاع و رضایت رژیم سیاسی آن کشور میزبان که مجرم در آن اقامت دارد مرتکب جرم شده باشد.

از سوی دیگر اقدامات خود **بوش** موید این حقیقت است ویا تایید میکند که مقامات ایالات متحده امریکا کاملاً هیچ مدرک یا هیچ سندی مبنی بر حضور ویا زیدخل بودن طالبان در حملات یازدهم ماه سپتمبر با آگاه کردن و مطلع ساختن گروهی که میدانستند در حال برنامه ریزی این حملات بودند تا بید نکردند؛ اگر **بوش** چنین شواهدی را بدست میداشت در آن صورت بلافاصله دستور میداد که ارتش امریکا بدون تعلل به دولت افغانستان حمله کند و در همان زمان **بن لادن** را یادستگیر ویا او را سر به نیست

میکرد. این همان کار و یا اقدامی است که هر ریس جمهور مدرن میتواند به آن متوسل شود و یا همچو عمل قاطع را انجام دهد. اگر یک کشور و یا یک ملت دیگری احیاناً به ایالات متحده امریکا حمله کند، کاملاً طبیعی است که ریس جمهور قبل از رعایت دستورالعمل قانون اساسی و یا قبل از دسترسی به مجوز از کنگره تنها با استفاده از حق دفاع از تمامیت ارضی کشورش میتواند هدایت و دستور به تجاوز را بر آن کشور متجاوز صادر نماید.

### تقاضای بوش بخاطر استرداد اسامه بن لادن:

این کاری نیست که بوش انجام داد؛ یا به عباره دیگری کاری که باید بوش انجام میداد آن کاری را انجام نداد؛ بلکه در عوض اوخواست و یا که طالبان را به زور تحت فشار قرار داد که آنها بن لادن را به دولت ایالات متحده امریکا تحویل دهند. اگر بوش باز هم شواهدی مبنی بر همدستی طالبان در حملات یازدهم سپتمبر مثل تدارک پناهگاه برای بن لادن و القاعده میداشت در آن صورت ریس جمهور بوش هرگز تقاضای استرداد بن لادن را از طالبان نمیکرد بلکه در عوض دستور حمله گسترده ای را بالای افغانستان میداد. راه دیگری برای بررسی این مسئله این است: که اگر طالبان از خواست بوش به ارتباط تحویلی بن لادن پیروی میکردند، هرگز جنگ ایالات متحده علیه افغانستان رخ نمیداد.

بوش میدانست که تروریسم یک جرم جنایی طبق قانون ایالات متحده امریکا است. نه یک اقدام جنگی؛ این بدان معنی بود که بن لادن به عنوان یک مجرم فدرال بطرز مانور و یا دستکاری شده هوشیارانه به حملات تروریستی یازدهم سپتمبر متهم شده است. اما بوش یک مشکل بزرگ داشت و آن اینکه بوش در این مورد هیچ پیمان و یا پروتوکول استرداد بین ایالات متحده و افغانستان نداشت یعنی که بین ایالات متحده امریکا و افغانستان در حصار تبادل و تحویل دهی اسرا و یا استرداد کدام پیمان موجود نبود همه میدانند که مطابق مندرجات و یا محتوی استرداد؛ استرداد خود یک کشوری را قادر میسازد که کشور دیگری را مجبور کند که یک مجرم مظنون را برای محاکمه کردن بسپارد بنابراین؛ طبق قوانین بین الملل، رژیم طالبان هیچ شرایط قانونی را برای تحویل دهی بن لادن در دست نداشتند یعنی که طالبان بر حسب کدام شرایط قانونی بین المللی مکلفیتی بر استرداد و یا تحویلی بن لادن به جانب ایالات متحده امریکا نداشتند با این وجود باز هم طالبان ابراز تمایل کردند که اسامه بن لادن را با یک تضمین به یک کشور سوم بغرض که در یک دادگاه تحت بررسی و محاکمه قانونی قرار گیرد تحویل دهند؛ و در غیر آن چونکه طالبان نگران این بودند که اگر بن لادن بدون تضمین و پیش شرط بدست ایالات متحده و یا سازمان (سی آی ای) بیفتد وی در نهایت توسط پنتاگون و سازمان (سی آی ای) بعد از یک دادگاه نظامی کنگارو (kangaroo)

بگونه وحشیانه شکنجه و سربه نیست خواهد شد. طالبان همچنان از **بوش** خواسته بودند که برخی از شواهد مربوط به همدستی **بن لادن** را در حملات یازدهم سپتامبر ارائه دهد؛ اقدامی که باید بهر حال در پیمان استرداد انجام شود.

**بوش** پیشنهاد طالبان را در این مورد رد کرد. وی خواستار رعایت بی قید و شرط مطالبه خود شد. هنگامیکه طالبان از اجرای دستورالعمل **بوش** خودداری کردند این وقتی بود که **بوش** به ارتش خود دستور حمله و تهاجم را بالای افغانستان صادر کرد. این همان چیزی است که منجر به جنگ (18) ساله دولت امریکا علیه افغانستان شد. جنگی که موجب کشته شدن ده ها هزار شهروند افغان شد که بیشتر آنها اصلاً از حملات یازدهم سپتامبر اطلاعی نداشتند چه رسد که در آن دست داشته باشند. افزون بر آن در این جنگ بی پایان در حدود بیش از (2401) نفر سرباز امریکایی در جنگ بوش (و جنگ اوپاما و ترامپ) تا حال کشته و بیش از (20000) نفر زخمی شده اند؛ همه آنها برای هیچ چیزی قربانی و مجروح و معیوب شده اند. احتمالاً شایان ذکر است که جنگ (بوش اوپاما و ترامپ) برای همیشه در افغانستان هزینه مالی دهنندگان امریکایی را در حدود (یک تریلیون دلار) مصرف و یا هزینه کرده است.

### **انتقام گیری از تروریستان بهانه ای برای مداخله گرایی ایالات متحده امریکا :**

سرانجام؛ چیزی دیگری وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد؛ حملات یازدهم سپتامبر به معنی تلافی جویی از تروریست ها بهانه ای برای مداخلات امریکا در خاور میانه از جمله کشته شدن صد ها هزار کودک عراقی را میتوان ذکر کرد بنا بر این اگر بعد از اتمام جنگ سرد هیچ مداخلی در خاور میانه صورت نمیگرفت در آن صورت هیچ حملات تروریستی ضد امریکایی رخ نمیداد. در این صورت استدلال پناهگاه ابداً بوجود نمی آمد. زیرا هرگز حملات یازدهم سپتامبر رخ نمیداد.

به همین دلیل اگر امروز به مداخله گرایی ایالات متحده پایان داده میشد یا که مداخله گری ایالات متحده قطع میگردید استدلال پناهگاه خود بخود از بین میرفت زیرا تهدید تروریسم تلافی جویانه ضد امریکایی از بین میرفت.

مانند بسیاری از جنبه های دیگر جنگ ها امریکا همیشه بحث امن برای حمله و اشغال افغانستان دروغ بوده است و همچنان دروغ محض است.

----- **با تقدیم سلام ها (2019-09-25)**